

پژوهشنامه ادب حماسی، سال یازدهم، شماره بیستم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۰۵-۱۳۲

ریخت‌شناسی همای‌نامه

محبوبه علی‌حوری*

دانش‌جوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۸

چکیده

همای‌نامه از منظومه‌های پهلوانی نه چندان شناخته شده متعلق به قرن ششم یا هفتم ادب فارسی، از نویسندگانی ناشناس است. پشتوانه نظری این پژوهش، روش «ولادیمیر پراپ»، «آرتور آسا برگر» و «پل ریکور» از ساخت‌گرایان معروف در ریخت‌شناسی داستان‌ها و قصه‌های عامیانه، اساطیری و پهلوانی است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که این داستان در بردارنده وضعیت آغازین، روی‌دادهای ناشی از کم‌بود و شرارت و پایانی خوش برای قهرمان تشکیل یافته است. می‌توان توالی کنش‌ها در منظومه را بر مبنای عناصر مهم شخصیت، انگیزش، کارکرد، حرکت و تکرار، ریخت‌شناسی کرد. هفت شخص این داستان با در نظر گرفتن چند وجهی بودن شخصیت آنان، شامل اشخاص یادشده در نظریه پراپ است؛ با این تفاوت که به جای «قهرمان دروغین»، شخصیت «جانشین قهرمان» حضور دارد. تعداد عناوین کارکردهای اصلی با تکرار، هشتاد و سه کارکرد است، با این تأکید که بعضی از آن‌ها در مقایسه با نظریه پراپ تازه است و در تعدادی کارکردها با عنوان مشابه، مفاهیم جدید ارائه شده است. کارکرد «جنگ» و «پیروزی» بیش‌ترین عناصر تکرارشونده داستان است و حرکت‌ها از ترکیب سه شیوه حرکت‌های داستانی و الگوی حرکت «برگر» بهره برده است. بنابراین، می‌توان به نمونه‌ای از ساختار منظومه‌های پهلوانی بخصوص عاشقانه-پهلوانی (رمانس پهلوانی) دست یافت و آن را در آثار مشابه جست‌وجو کرد.

کلیدواژه‌ها

همای‌نامه، ریخت‌شناسی، پراپ، برگر، ریکور، منظومه عاشقانه-پهلوانی.

* m.alihoory@yahoo.com

مقدمه

نقد ساختاری را می‌توان متشکل از سه هدف دانست: استخراج اجزای ساختار اثر، برقرار ساختن ارتباط موجود میان این اجزاء و نشان دادن دلالتی که در کلیت ساختار اثر مشاهده می‌شود (گلدمن، ۱۳۶۹: ۱۰). پراپ، مواد مورد مطالعه ریخت‌شناسی^۱ قصه‌ها را اجزای سازنده و روابط آن‌ها با هم و با کل ساختار می‌داند. بنابراین شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر قصه را به عنوان نخستین گام در تحقق فرضیه خویش مطرح کرد. او بدین منظور الگوی حاکم بر صد قصه از مجموعه قصه‌های روسی افاناسیف^۲ را استخراج و براساس کنش‌ها و روی داده‌هایشان بررسی کرد. وی پس از تعیین کارکردها و استخراج اصول و قواعد حاکم بر قصه‌ها به راه‌های محتمل ترکیب و حرکت‌های موجود در آن‌ها پرداخت و به این نتیجه رسید که قصه‌های پریان به رغم تنوع ظاهری، از نظر تعداد قهرمانان و کارکردهایشان دارای نوعی وحدت و همانندی است و آن‌گاه واحد سازنده روایت را «کارکرد» نامید (پراپ، ۱۳۶۸: ۴۹).

هر یک از قصه‌های پراپ دارای ساختاری بنیادی است که خواننده معمولاً از وجود آن آگاه نیست، اما قصه، ویژگی خاص دارد که می‌توان قسمت‌های کاملی از یک قصه را بدون هیچ تغییری به قصه‌ای دیگر منتقل کرد (همان: ۲۳). بر این اساس، اگر قصه‌های عامیانه چنین ساختاری داشته باشد، پس شاید در روایات دیگر نیز بتوان چنین ساختاری را نشان داد (برتنز، ۱۳۸۲: ۵۸). بنابراین، به سبب برخوردار بودن داستان‌های پهلوانی از روی داده‌ها و حرکت‌های بیش‌تر نسبت به قصه‌های پریان و برای دقیق‌تر شدن تحلیل ساختاری این اثر، در این مقاله سعی شده علاوه بر توجه به آرای محققان در این زمینه، برای نخستین بار با الهام از الگوی پراپ، برگر و ریکور به تحلیل و بررسی منظومه همای‌نامه از منظر ریخت‌شناسی پرداخته و اسکلت و استخوان‌بندی اثر نمایانده شود تا این اثر را بیش از پیش بشناسانیم و الگویی تازه از ریخت‌شناسی قصه‌های ایرانی به دست دهیم.

بدین ترتیب، این پژوهش با روی‌کرد روایت‌شناسی ساخت‌گرا به شیوه کتاب‌خانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی شکل گرفته است و نگارنده در پی پاسخ‌گویی بدین پرسش‌ها برآمده است: ۱- ساختار منظومه همای‌نامه از منظر ریخت‌شناسی چگونه است؟ ۲- آیا توالی کارکردها و حرکت‌ها در داستان از الگویی خاص پیروی

¹. morphology

². Afanassiev

می‌کند؟ ۳- سیر وقایع داستان بر اساس کدام اشخاص و چه انگیزه‌هایی شکل می‌گیرد؟
 ۴- دیگر عناصر جالب توجه در داستان یاد شده چیست؟

در سال‌های گذشته پژوهش‌هایی جالب توجه بر اساس ساختارشناسی آثار؛ خاصه در متون پهلوانی صورت گرفته است. از این میان، بهرام جلالی‌پور در مقاله‌ای بر اساس روش پراپ به ریخت‌شناسی قصه جنگ مازندران پرداخته است که نشان می‌دهد ساختار این قصه و قصه‌های دو بخش اساطیری و پهلوانی شاهنامه از الگویی واحد پیروی می‌کند و ساختار این نوع قصه‌ها نسبت به قصه‌های پریان، پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر است. علی‌محمد حق‌شناس و پگاه خدیش در مقاله خود به یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی به شیوه پراپ دست یافتند، با این تفاوت که شمار اجزای سازنده قصه‌ها کاهش یافته است و در هر کارکرد، مصادیقی جدید؛ مانند مذهب یافت شده است. این مقاله به طور مفصل در کتاب ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی نوشته پگاه خدیش منتشر شد. نیز این نویسنده، نتایج حاصل را در مقاله‌ای دیگر به زبان انگلیسی با عنوان "The Morphology of Persian Fairy Tales" (۲۰۰۹) در مجله "Fabula" بچاپ رسانده است. خاور قربانی و کیوان گورک در ریخت‌شناسی سه قصه از شاهنامه با تکیه بر نظریه ریخت‌شناسی پراپ به این نتیجه می‌رسند که در رده‌بندی قصه‌ها، علاوه بر توجه به خویش‌کاری باید تأثیر برخی عناصر مهم متغیر، مانند محیط اجتماعی و هویت قهرمان در نظر گرفته شود. مسعود روحانی و محمد عنایتی‌قادیکلایی نیز، قصه‌های دیوان در شاهنامه فردوسی را ریخت‌شناسی کرده‌اند. ابراهیم استاجی و سعید رمشکی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی پراپ در تحلیل داستان مذکور با تفاوتی اندک به سبب خالی بودن داستان از عنصر قدغن و جانشینی عنصر پیش‌نهاد به جای آن و منطبق نبودن پایان داستان سیاوش با پایان قصه در الگوی پراپ بر مبنای ازدواج یا سلطنت مشاهده می‌شود.

همای‌نامه

همای‌نامه منظومه‌ای پهلوانی، شامل ۴۳۳۲ بیت در بحر متقارب به صورت نسخه‌ای منحصر به فرد به شماره ۳۰۱ جزء مجموعه چسترییتی^۱ در دوبلین موجود است. نسخه فاقد تاریخ کتابت و نام سراینده است. آرتور جان آربری^۲ (۱۹۶۹م)، خاورشناس

^۱. Chester beatty

^۲. Arberry

سرشناس انگلستان، رسم‌الخط نسخه را متعلق به سده ۶هـ ق/ ۱۲م تشخیص داده است و تاریخ استنساخ آن را فراتر از ۷۰۰هـ/ ۱۳۰۰م نمی‌داند، اما عده‌ای به سبب وجود رقم وقفی به تاریخ رمضان ۷۱۲هـ ق/ ژانویه ۱۳۱۳ م و نیز به سبب قرائن زبانی و محتوایی (بیگانه بودن قهرمانان کتاب و ابهام زمانی حوادث) و وجود بسیاری از بیت‌های سست و نادرست، محلّ نظم و استنساخ کتاب، سرایش کتاب را بعد از قرن هفتم هجری دانسته‌اند (متینی، ۱۳۵۴: ۳۵۱-۳۴۹؛ آیدنلو، ۱۳۸۸: ۱۳).

نام شاعر این منظومه مشخص نیست و از منظومه‌ای با نام همای‌نامه در هیچ اثری یاد نشده است. از بررسی متن می‌توان دریافت که شاعر از اعتقاد خود به هیچ دینی سخن نگفته است؛ مگر «یگانه‌پرستی» و سراسر منظومه در مضامین اخلاقی است. نخستین بار، آربری در سال ۱۹۶۳م همای‌نامه را به سرمایه کتابفروشی لوزاک انگلستان بچاپ رسانید. سپس، محمد روشن گفتاری با عنوان «همای‌نامه، منظومه ناشناخته حماسی» در نامه انجمن (فصل‌نامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰) منتشر کرد.

ساختار همای‌نامه

شرح منثور این داستان کم‌شناخته را می‌توان در قسمت‌های ذیل خلاصه کرد:
قسمت اول: معرفی گل‌کام‌کار، دختر شهریار شام و همای، پسر شهریار مصر و آشنایی آن‌ها.

شاه شام پس از تولد دخترش، او را به دژی نزدیک دمشق می‌فرستد تا به دور از چشم مردم تربیت شود. گل‌کام‌کار تا بیست سالگی با پارسایی زندگی می‌کند. از سوی دیگر، همای (فرزند بیست ساله شاه مصر) برای یافتن هم‌سر مناسب به شهرهای مختلف سفر می‌کند تا این‌که به شام می‌رسد. شاه شام، همای را می‌پسندد و دوست دارد که او به دامادیش درآید. پس اسباب راحتی همای را فراهم می‌کند و او برای پنج، شش سال در آن‌جا می‌ماند. تا این‌که روزی، گل‌کام‌کار و همای به طور اتفاقی یک‌دگر را می‌بینند و به هم دل می‌بازند. در یکی از شب‌ها که همای قصد دیدار پنهانی گل‌کام‌کار را دارد، در راه گوزنی را می‌بیند و او را تعقیب می‌کند. گوزن ناپدید می‌شود و همای، خود را بر بالای کوهی در مقابل زنگی می‌یابد.

قسمت دوم: جنگ همای با زنگی بر کوه.
همای با زنگی نبرد می‌کند و او و ده تن از یارانش را می‌کشد و به سمت دژ حرکت می‌کند. وی در راه، شاه را با لباس مبدل می‌بیند. پادشاه خود را ساربان شاه معرفی می‌کند که شترانش را گم کرده است و از همای طلب کمک می‌کند. همای، ساربان را با قول پیدا کردن شترانش، با خود به دژ گل‌کام می‌برد. شاه، پنهانی اعمال همای را زیر نظر می‌گیرد. وقتی که از نبرد همای با زنگی باخبر می‌شود، تصمیم می‌گیرد همای را با یکی دیگر از دشمنانش روبه‌رو کند تا بدین‌سان او را نیز از میان بردارد.

قسمت سوم: جنگ همای با شش عرابی.
شاه شام، همای را به بهانهٔ پس گرفتن شترانش به کوی جله، مکان حضور عرابی، راه‌نمایی می‌کند. عرابی و یارانش به دست شاه شام و همای کشته می‌شوند.
قسمت چهارم: جنگ همای با دختر عرابی.

دختر عرابی با دیدن جسد پدر، به همای حمله می‌برد و او را سخت مجروح می‌کند. در این زمان، گل‌کام‌کار به کمک همای می‌آید و دختر عرابی را می‌کشد. سواری راه بازگشت به دژ را بر همای و گل می‌بندد. گل به جنگ سوار می‌رود ولیکن هر دو خسته و تشنه می‌شوند و به دنبال آب می‌روند. گل‌کام‌کار، آب پیدا می‌کند و همای را به دژ می‌برد و خود برمی‌گردد تا جنگ را تمام کند. در بازگشت، دیو و اژدهایی را می‌کشد. همای به نزد گل بازمی‌گردد و از ماجرا باخبر می‌شود.

قسمت پنجم: جنگ همای با دزدان.
همای و گل در راه بازگشت برای یاری مرد بازرگان مال‌باخته به قلعهٔ دزدان حمله می‌کنند و آن‌ها را می‌کشند. همای با گل، همراه چند بار شتر به عنوان قدردانی از سوی بازرگان راهی دژ می‌شوند و از آن‌جا به تنهایی به قصر شاه شام می‌روند و حوادث پیش آمده را بازمی‌گویند. شاه به همای قول ازدواج با گل‌کام‌کار را به شرط کشتن قیصر روم می‌دهد. همای با گل‌کام‌کار و لشکری به فرمان‌دهی قیس به جنگ با قیصر روم می‌رود.

قسمت ششم: جنگ همای با شیر و کشتن شیر.
همای در راه به بیشه‌ای می‌رسد و با شیری درنده مواجه می‌شود. شیر را می‌کشد و تا شب، ده شیر دیگر آن بیشه را از پای درمی‌آورد. آن‌گاه سپاه، به مسیر خود ادامه می‌دهد.
قسمت هفتم: جنگ همای با زن جادو و کشتن زن جادو به یاری قیس.
همای در دل کوهی، به چشمه‌ای می‌رسد و زن جادو را ملاقات می‌کند. زن

جادو، همای را به خود فرامی خواند و بر آن است که در صورت نپذیرفتن، همای را به اسارت و تباهی کشاند. همای نمی پذیرد و در یک لحظه، زن ناپدید می شود و یک بار در لباس رزم، سپس به صورت اژدها بر او ظاهر می شود. زن جادو برای آخرین بار با همای کشتی می گیرد. در این هنگام، قیس ناگهان فرا می رسد و همای به کمک قیس، زن جادو را می کشد و بر مکان زیبایی زندگی او دست پیدا می کند.

قسمت هشتم: نامه فرستادن همای از روم به شاه شام.

همای، نامه ای در شرح ماجرای نبرد خود به همراه چندین شتر گوهر و سیم و زر به غنیمت آورده از نبرد با زن جادو، برای شاه شام می فرستد.

قسمت نهم: پدید آمدن دد به کنار دریا.

سپاه همای پس از سه روز و سه شب به کنار دریا می رسد. دیدبان همای را از وجود ددی آگاه می کند. دد همان لحظه از دریا بیرون می آید و به لشکر قیس حمله می کند. همای به کمک قیس می شتابد و سرانجام، با شمشیر دد را به دو نیم می کند.

قسمت دهم: رسیدن همای با لشکر به دربند و دژ بطریق.

همای و سپاهیان پس از سه روز، به تنگه و دژی می رسند. بطریق، نگهبان تنگه، از قیس درخواست باج می کند. قیس با حيله بطریق را به بند می کشد و نزد همای می برد و همای از دژ بطریق، غنیمت جنگی فراوان بدست می آورد.

قسمت یازدهم: رفتن بطریق به عمّوریه و خبر دادن به قیصر از وجود همای.

بطریق نزد قیصر در عمّوریه می رود و از نسبت همای با شاه شام و جنگ های وی، سخن می گوید. قیصر با شنیدن سخنان بطریق، لشکر خود را آماده نبرد با همای می کند.

قسمت دوازدهم: استقبال قیصر و لشکرش از همای.

قیصر روم قصد دارد دختر خود را به نکاح همای درآورد، شاه شام را از تخت به زیر کشد و گل کام کار (عشق قدیمی) را همسر خود سازد. پس، پیکی را نزد همای می فرستد تا دلیل جنگ را جویا شود و او را از مقاصد خود باخبر کند. همای همین که پیش نهاد قیصر برای ازدواج با دخترش را می شنود، برآشفته می شود و از عشق خود به گل کام کار سخن می گوید و این که به خواست شاه شام به جنگ قیصر آمده است. در نتیجه قیصر، مهتران خود را به جنگ همای می فرستد.

قسمت سیزدهم: شبیخون زدن همای بر لشکر روم.

همای به همراه قیس شبیخون به سپاه قیصر می زند و بسیاری از آنان را می کشد.

قسمت چهاردهم: جنگ های همای با قیصر روم (۱).

پس از شبیخون، قیصر روم به جنگ همای می‌رود. پس از دو روز، غلبه با قیصر روم است و همای و قیس از دشت به غاری در کوه پناه می‌برند و سپس زخمی به دهی می‌رسند و اسمرا، بازرگانی جهود، از آن‌ها پذیرایی می‌کند. اسمرای ناپاک دل، همای و قیس را برای خارج کردن زر به اعماق چاه می‌فرستد و آن‌ها را در آن جا گرفتار می‌کند. آنان با کندن نقب، خود را از کوه به دریا می‌افکنند و سرنشینان کشتی آن‌ها را نجات می‌دهند. به دلیل نامساعد بودن هوا، کشتی از مسیر خود منحرف می‌شود و به ساحل هند می‌رسد.

قسمت پانزدهم: جنگ همای با ببر و کشتن ببر.

ببری درنده در ساحل هند به سوی همای حمله‌ور می‌شود و وی، حیوان را می‌کشد. شاه هندوستان از همای می‌خواهد که یک سال آن‌جا بماند و به او در نابود کردن دشمنانش (مهرآه و پسران) کمک کند تا در عوض، لشکری را با همای به سوی شام همراه کند.

قسمت شانزدهم: جنگ همای با مهرآه.

همای و قیس و دهمرای در جنگ‌های پیاپی، ده پسر مهرآه و خود وی را می‌کشند. همای با ثروت بسیار و سپاه، راهی شام می‌شود و در راه، مردی به نام بوالحرب را می‌بیند و به وسیله وی دو نامه برای شاه شام و گل‌کام‌کار می‌فرستد. گل و شاه شام و شاه مصر با قیصر در جنگ هستند. ابوالحرب جواب نامه را به هند برای همای می‌آورد.

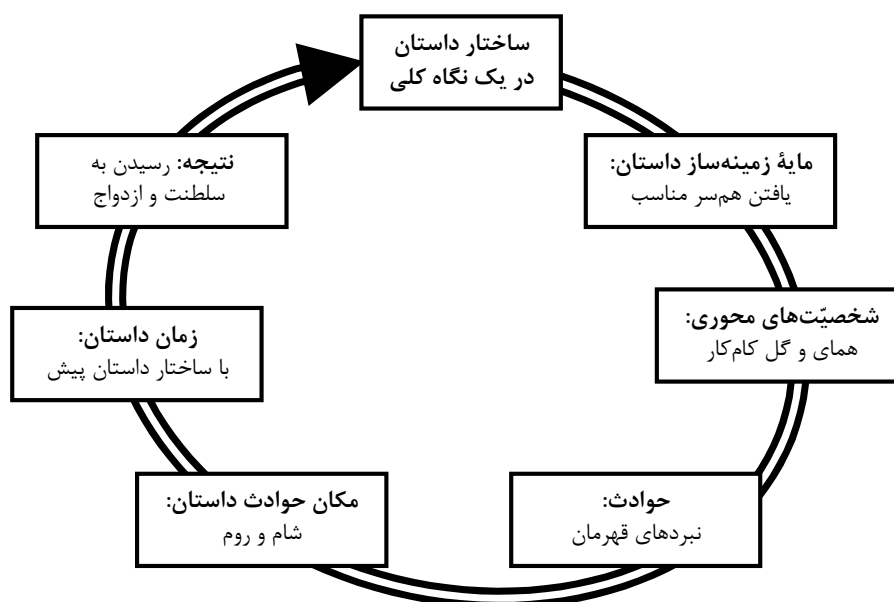
قسمت هفدهم: جنگ قیصر روم با شاه مصر و شام با حضور گل‌کام‌کار.

لشکری به فرماندهی گل‌کام‌کار به سوی قیصر حرکت می‌کند و گل در نخستین نبرد، آنان را شکست می‌دهد، اما برای بار دوم، غلبه با رومی‌هاست. پس شاه مصر به مصر بازمی‌گردد و شاه شام و گل‌کام‌کار در بیشه‌ای برای سه ماه به دستور قیصر محاصره می‌شوند. از آن طرف، همای در نزدیکی مرز روم، پدر را می‌بیند و از اتفاقات جنگ با خبر می‌شود. بنابراین به جنگ رومیان می‌رود و راه را برای خارج شدن شاه شام و گل‌کام‌کار باز می‌کند. پس از یک ماه از این واقعه و با خبر شدن قیصر از آمدن همای، هردو لشکر برای مقابله نهایی آماده می‌شوند.

قسمت هجدهم: جنگ‌های همای با قیصر روم (۲).

پس از سه روز نبرد پیاپی، لشکر قیصر از قیس و گل‌کام‌کار و همای شکست می‌خورد و قیصر به سوی قلعه خود در دریا می‌گریزد. قیس و همای، قلعه قیصر را محاصره می‌کنند. به سبب کمبود آذوقه و آب، جنگ داخلی پیش می‌آید و کوتوال قلعه

برای رهایی خود، قیصر را اسیر می‌کند و نزد همای می‌فرستد. همای قیصر را نزد شاه شام می‌برد و به او می‌سپارد و او گردنش را می‌زند. قسمت نوزدهم: انتقام همای از اسمرای جهود. همای فرصت می‌یابد که از اسمرای جهود انتقام بگیرد؛ او را در همان چاه می‌فرستد و می‌خواهد که تمام زرها را به بالا بفرستد و سپس اسمرای را در چاه، زنده به گور می‌کند. قسمت بیستم: به تخت نشستن همای و ازدواجش با گل‌کام‌کار. پس از هفت سال، همای از شاه شام می‌خواهد که به عهد خود عمل کند و گل‌کام‌کار را به او بدهد. شاه شام چنین می‌کند و هم‌زمان به تخت می‌نشیند و چنین تا نود سال زندگی می‌کند.



نمودار (۱)

بررسی و تحلیل ساختار همای‌نامه

برای بررسی ساختار این داستان باید آن را به سازه‌های جزیی‌تر و منظم‌تر چارچوب داستان، شخصیت، انگیزش، کارکرد، حرکت و تکرار تقسیم کرد و سپس به مناسبات اجزاء با یکدیگر و با کل داستان پرداخت.

چارچوب داستان

معمولاً قصه‌ها از وضعیتی اولیه آغاز می‌شود که از عناصر مهم ریخت‌شناسی است. منظومه همای‌نامه هم‌چون دیباچه شاهنامه با ستایش خداوند و سپس پیامبر و آن‌گاه خرد آغاز می‌شود. آن‌گاه راوی، داستان خود را با ذکر منبع آن‌که از «دفتر باستان» است، آغاز می‌کند. بر این اساس، ابتدا به وصف اشخاص محوری داستان می‌پردازد. سپس راوی در متن داستان پنهان می‌شود و ما آن‌چه را شخصیت‌ها انجام می‌دهند، نظاره‌گر هستیم:

چنان خواندم از دفتر باستان ز کرده به هم گفته راستان
که بد شهریاری به شام اندرون ز هر شاه، لشکرش و کشور فزون
(همای‌نامه، ۱۳۸۳: ۴)

داستان با پیروزی همای و این اطمینان خاطر که از آن پس با خوش‌بختی زندگی می‌کند، پایان می‌پذیرد و این‌گونه شنونده از دنیای غیر واقعی به حال، بازگردانده می‌شود:

به شاهی درون با گل کام‌کار همی راند با خرّمی روزگار
چنین تانود سال بر وی گذشت جهان نامه عمرش اندر نوشت
(همان: ۱۷۴)

فقدان در این داستان، عامل چاره‌اندیشی است؛ چنان‌که پادشاه شام در منظومه، پسری برای جانشینی ندارد و همای به سبب نداشتن هم‌سر به سفر می‌رود و در این راه، حوادث داستان شکل می‌گیرد:

که بد شهریاری به شام اندرون ز هر شاه، لشکرش و کشور فزون [...]
نبودش پسر کش نشستی به جای همان اخترش زو بماندی به پای
(همان: ۴)

همی تا برآمد بدین روزگار به مصر اندرون بود یک شهریار
ورا یک پسر بود نامش همای به سر برش سایه فگنده همای [...]
به روم و به توران و ایران زمین بگشت و به هندوستان و به چین
مگر یابد او دختری را همال که دیدار داردش فرخ به فال
(همان: ۵)

علاوه بر وجود کم‌بود و احساس نیاز، اقدامات اخلاق‌مدارانه همای؛ هم‌چون کمک به افراد نیازمند و از میان بردن شرارت، قهرمان را به مبارزه وامی‌دارد و این جاست که خیر و شر در قالب شخصیت‌ها و اعمالشان تجسم می‌یابند.

شخصیت‌ها:

هفت شخصیت اصلی در این منظومه دیده می‌شود:

نخست، قهرمان منظومه: قهرمان جست‌وجوگری است که برای رفع کم‌بود خود، یافتن هم‌سر مناسب، مجبور به ترک خانه و شکل‌گیری حوادث می‌شود که در این راه به حکم اخلاق، نیازها و کم‌بودهای دیگران را برآورده می‌سازد و عامل شرارت را از میان برمی‌دارد.

دیگر، شریر است. در هر مرحله که قهرمان وارد می‌شود، شریری ظهور می‌یابد که این ویژگی، از ویژگی‌های متون پهلوانی است. به این سبب، افراد شریر متعددی در این داستان حضور دارند که عبارتند از: زنگی، عربی‌ها، دزدان، شیر، زن جادو، دد، بطریق، اسمرا، ببر، مهراوه و پسران و قیصر روم.

شریر در این منظومه دارای صفاتی برجسته است: نخست این‌که درصدد وارد کردن صدمه بدنی به قهرمان است (همای‌نامه: ۱۴، ۲۳، ۵۷، ۶۱، ۷۱ و ...). دوم، دستور قتل می‌دهد (همان: ۹۴ و ۱۱۵)؛ سوم، به زور خواستار ازدواج می‌شود (همان: ۶۱)؛ چهارم، اعلام جنگ می‌کند (همان: ۱۴، ۲۳، ۵۷، ۶۱، ۷۱ و ...) و پنجم، به دزدی دست می‌یازد (همان: ۷۴).

نکته جالب توجه این است که در مرحله‌ای، ازدها و دیو نیز حضور دارند، اما این اشرار به طور مستقیم در مقابل همای قرار نمی‌گیرند، بلکه در برابر گل‌کام کار ظاهر می‌شوند. بدین ترتیب، شاید بتوان گفت که الزاماً شریر به طور مستقیم در مقابل قهرمان حضور نمی‌یابد، بلکه گاه برای آسیب رساندن، به یاری‌گران قهرمان حمله می‌کند.

اعزام کننده یا فرستنده از دیگر اشخاص داستان است. در بسیاری از افسانه‌های ایرانی چنین شخصیتی دیده نمی‌شود (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۱۶)، اما در این منظومه، شاه شام برای حل برخی مشکلات خود از علاقه همای به گل‌کام کار و منش نیک وی استفاده و او را برای دفع و نابودی دشمنان خود؛ مانند عربی‌ها و قیصر، اعزام می‌کند:

همای گزین را شهان‌شه بخواند	بر خویش بر تخت خویشش نشانند
ورا گفت هستی تو فرزند من	گرامی‌تر از خویش و پیوند من [...]
ولیکن یکی دشمنم هست شوم	که هست او سرافرازتر شاه روم

(همان: ۵۴)

از دهمرای در جای‌گاه فرستنده سخن نمی‌گوییم، زیرا خود نیز با همای به جنگ مهراوه می‌رود و با پیش‌نهاد لشکر و گنج، همای را به کمک در جنگ با دشمنش ترغیب می‌کند و صرفاً فرستنده نیست.

شخص دیگر، اعطاکننده یا همان شخصیت‌های شاه شام و دهمرای، شاه هند، است. شاه شام در صورت نابود شدن قیصر روم، گل را به نکاح همای درمی‌آورد و شاه هند در صورت نابودی دشمنش، سپاه و گنج به وی می‌بخشد.

از شخصیت‌های افسانه‌های جادویی ایرانی، یاری‌گر است که گاه با اعطاکننده یکی می‌شود، زیرا یاری وی الزاماً خصلت جادویی ندارد، اما بدون حضور او قهرمان دچار مشکل می‌شود (خدیش، ۱۳۸۷: ۱۱۷). همان‌طور که در جنگ‌های همای، حضور مفید و لازم قیس و گل‌کام‌کار را شاهد هستیم که گاه همای بدون کمک آنان، زنده نمی‌ماند و نیز یاری‌گری آنان خصلت جادویی ندارد. در جنگ دختر عرابی و همای، آشکارا به صفت یاری‌گری گل‌کام‌کار اشاره می‌شود:

سواروی همی تاخت مانند باد	تو گفتمی مگر بود پیوند باد
ز هامون به آوردگه داد روی	مگر هست یاری‌گر نام‌جوی [...]

(همای‌نامه، ۱۳۸۳: ۳۴)

گل‌کام‌کار در ادامه یاری‌گریش، با سوار عرابی و نیز با دیوی آدم‌خوار می‌جنگد؛ به طوری که وی را تا حدّ قهرمان می‌نمایاند.

قیس، فرمان‌ده لشکر شام، از دیگر یاری‌گران همای و نجات‌دهنده جان قهرمان است:

بیفتاد جادو زن نابکار	به شه گفت قیس دل‌آور سوار
که مندیش دیگر ز دشمن که من	ترا آمدم یاور از انجمن

(همان: ۶۳)

بر اساس این منظومه می‌توان یاری‌گر را به دو دسته یاری‌گر قهرمان و ضدّ قهرمان دسته‌بندی کرد؛ چنان‌که در این منظومه، خداوند، گل‌کام‌کار، قیس، شاه شام، زهیر، نشواد و دهمرای یاری‌گران همای و سکندر، سنگول، مهرآه، یاری‌گران شریر هستند که با نام خاصّ از آن‌ها در داستان یاد شده است.

جانشین قهرمان، شخصیتی است که به جای قهرمان، ایفای نقش می‌کند. گاه همای به سبب جراحتهای وارده توانا به ادامه سیر حوادث داستان نیست و در چنین زمانی گل به جای وی هم‌چون قهرمان در سیر حوادث نمود می‌یابد. گاه نیز به دلیل محدودیت‌های زمانی و مکانی که قهرمان نمی‌تواند هم‌زمان در دو مکان و در دو جنگ شرکت کند، شخصیتی دیگر هم‌پایه با وی دیده می‌شود؛ هم‌چون زمانی که همای در جنگ با مهرآه و گل در جنگ با قیصر روم است، اما چون این شخصیت در برهه زمانی کوتاهی حضور دارد، نمی‌توان او را قهرمان دوم دانست و عنوان «جانشینی» مناسب‌تر بنظر می‌آید.

شاهزاده خانم (گل کام کار)، دیگر شخصیت ایفاگر نقش است. دختری که در نهایت با قهرمان داستان ازدواج می‌کند و از شخصیت‌های محوری داستان است که هم‌زمان با همای برای خوانندگان معرفی می‌شود:

یکی دخترش بود مانند ماه زره گرد ماهش ز مشک سیاه [...]
(همان: ۴)

بر اساس آن چه گفته شد، هر شخصیت می‌تواند چند نقش را ایفا کند؛ چنان‌که شاه شام از سویی آغازگر حوادث برای قهرمان است و در ادامه، به یاری او می‌آید و نقش اعطاکننده و فرستنده را نیز دارد و یا گل، به عنوان شاهزاده خانم، یاری‌گر و گاه، جانشین قهرمان است. نیز، دهمرای اعطاکننده و یاری‌گر است. پس اگرچه بیش‌تر اشخاص داستان در حوزه خود عمل می‌کنند؛ گاه یک شخص ایفاکننده نقش‌های متفاوت است که این بر جذابیت اثر می‌افزاید.

مطالعه صفات اشخاص قصه، اهمیت بسیار دارد، خاصه آن‌چه قصه را برجسته، زیبا و پرکشش می‌سازد، صفات قهرمان قصه است. در این منظومه، به طور دقیق به وصف شخصیت قهرمان و پس از وی شاهزاده خانم پرداخته شده است که بر تأثیرگذاری داستان افزوده است. نیز، برای اشخاص جادویی؛ مانند زنگی، دیو، اژدها، زن جادو نام خاص نیامده است، اما به صفات ظاهری آنان اشاره شده است. هم‌چنین شاه شام، شاه مصر و قیصر روم به نام، خوانده نمی‌شوند که می‌تواند به سبب جای‌گاه آنان باشد.

بسیاری از اشخاص داستان؛ مانند قهرمان، یاری‌گر، بعضی شخصیت‌های شریر، فرستنده و شاهزاده خانم از همان وضعیت اولیه وارد صحنه می‌شوند، ولی بعضی از اشخاص شریر؛ مانند زن جادو و دیو به سبب وجود جادویی به طور ناگهانی بر قهرمان و یاری‌گر ظهور می‌یابند. آن‌چه بر مبنای الگوی پراپ در این بخش یاد شد به طور دقیق و با ذکر نشانی در جدول پیش رو نمایانده شده است.

جدول (۱): هفت شخصیت اصلی داستان

محل سکونت	شکل‌های ورود اشخاص به داستان	صفات اشخاص	نام اشخاص در همای‌نامه	هفت شخصیت اصلی داستان
۱. غاری در کوهی نزدیک دژ گل‌کام‌کار ۲. حله ۳. بیابانی ۴. نزدیک دژ ۵. غاری در کوهی نزدیک دژ ۶. در کنار چشمه‌ای نزدیک دژ ۷. قلعه‌ای در بیابان ۸. بیشه‌ای در راه روم ۹. کوهی در راه روم ۱۰. ساحلی در راه روم ۱۱. دره‌ای در راه روم ۱۲. روم ۱۳. روم ۱۴. روم ۱۵. روم	۱. به طور علنی پس از رسیدن قهرمان به نزد وی ۲. همان ۳. همان ۴. همان ۵. همان ۶. مانند گوردی دود مانند ۷. به طور علنی پس از رسیدن قهرمان نزد آنان ۸. همان ۹. به صورت زنی زیباروی ۱۰. به طور علنی از سوی دریا به سمت ساحل می‌آید ۱۱. به طور علنی پس از رسیدن قهرمان نزد او ۱۲. همان ۱۳. همان ۱۴. همان ۱۵. همان	۱. ۱. مست، سری مانند دیگ، بینی بزرگ، موی مجعد، ناخن‌های بلند، پاهای سیاه، دیو چهر (همای‌نامه، ۱۳۸۳: ۱۴). ۲. ۱. مست و جنگاور (همان: ۲۳). ۳. ۱. دل‌آور و جنگاور (همان: ۳۱). ۴. ۱. مانند تند اژدها، مسلح، صاحب اسب تیزرو. ۵. ۱. در ظاهر دارای موی میشان، صورت گاو، سر میمون، چشمان غوک، دو ابرو مانند خارپشت، دندان‌های کج، بینی بزرگ، دستانی مانند درخت و ناخن‌هایی سنگین و آدم‌خوار (همان: ۳۷). ۶. ۱. دهانی داس مانند، دو چشم مانند دو ظرف پر شراب، تن پر فلس و لجن، زبان سیاه، دندان‌های عاج‌گونه، دم کمند مانند، خروج دود از دهان (همان: ۴۰). ۷. ۱. خونی، خشمناک، فیل‌افکن، مردان جنگ‌آور (همان: ۴۴). ۸. ۱. سیاه رنگ، چنگال‌های الماس‌گون و داسی شکل، دندان‌های عاج‌گونه، دم کمند مانند، داستان کمان مانند، دارای غرش‌های مهیب (همان: ۵۷). ۹. ۱. در آغاز ظهور به صورت زنی زیبا روی (همان: ۶۱) و در پایان نبرد به صورت عجزه‌ای زشت روی با سری شیر مانند (همان: ۶۳). ۱۰. ۱. مردم‌خوار، بزرگ‌تر از فیل، دندان‌های برنده (همان: ۷۱). ۱۱. ۱. بی‌عقل و خرد، ستم‌کاره، قاتل، زشت‌کار، نگهبان دژ، باج‌خواه (همان: ۷۵). ۱۲. ۱. غارت‌گر، زورگو، عاشق، قدرت‌مند (همان: ۵۴). ۱۳. ۱. بازرگان، جهود و حيله‌گر. ۱۴. ۱. خروشنده مانند رعد بهار. ۱۵. ۱. ناپاک و شوم.	۱. ۱. زنگی (a) ۲. ۱. عربی (b) ۳. ۱. دختر (c) ۴. ۱. سوار (d) ۵. ۱. دیو (e) ۶. ۱. اژدها (f) ۷. ۱. دزدان (g) ۸. ۱. شیران (h) ۹. ۱. زن جادو (i) ۱۰. ۱. دد (j) ۱۱. ۱. بطریق (k) ۱۲. ۱. قیصر روم (L) ۱۳. ۱. اسمرا (m) ۱۴. ۱. بیر (n) ۱۵. ۱. مهراوه و پسران (o)	۱. شیر
مصر	معرفی راوی در وضعیت آغازین	جوان‌مرد، خردمند، هنرمند، بیست‌ساله، دلاور.	همای	۲. قهرمان
شام	همان	جوان‌مرد، دانا دل، پاک مغز، کام‌ران.	شاه شام (پدر گل‌کام‌کار)	۳. فرستنده
پیش از این اشاره شد.	پیش از این اشاره شد.	پیش از این اشاره شد. کام‌ران.	شاه شام (A) دهم‌رای (B)	۴. اعطاکننده



شام و روم	معرفی راوی در وضعیت آغازین	هر جا که قهرمان دچار تنگنا می‌شود از خداوند یاری می‌جوید. جووانی جوان‌مرد، آزاده، پادشاهزاده، خردمند، نکو روی، عاشق دختری از روم، جنگ‌آور، دوست‌دار همای، رازدار و دوست صمیمی همای (همای‌نامه، ۱۳۶۸: ۵۶) پهلوانی از لشکر شام که در میان اعراب همتا نداشت (همان: ۸۶) سواری دلیر و فرمان‌ده دویست پهلوان از لشکر شام. دل‌آور، بلند قامت و سپاهسالار لشکر روم (همان: ۸۹). دل‌آور، سپاهسالار لشکر روم. سپاهسالار لشکر مهرآوه.	۵. یاری‌گر قهرمان: خداوند گل‌کام‌کار (A) قیس (فرمان‌ده سپاه شام) (B) دهم‌رای (C) شاه شام (D) زهیر نشواد یاری‌گران شریب سکندر سنگول مهرآوه
شام	همان	دختری زیبا. بیست ساله. پارسا. روی‌گردان از مردان. جنگ‌آور.	گل‌کام‌کار
			گل‌کام‌کار ۷. شاه‌زاده خانم

انگیزش

منظور از انگیزش، دلایلی است که اشخاص را به انجام هر عملی وامی‌دارد و هم، اهداف این اشخاص از عملشان بیان می‌شود (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۵۳) که شکل‌های به صحنه آمدن شخصیت‌ها را می‌سازد (ریکور، ۱۳۸۴: ۷۲). اولین انگیزشی که در داستان نمود می‌یابد، انگیزش یافتن هم‌سر مناسب از جانب همای است که او را به سفر وامی‌دارد و این گونه به شام، سرزمین گل‌کام‌کار می‌رسد. دیگر انگیزش‌ها در راستای همین انگیزش اصلی و براساس دیگر اهداف قهرمان شکل می‌گیرد. مانند جنگ‌های همای که از سویی به سبب رسیدن به گل‌کام‌کار است و از دیگر سویی، به دلیل اخلاق‌گرا بودن قهرمان در کمک به خواهندگان و از میان بردن ظلم و شرارت است.

جدول (۲): انگیزش‌های داستان

انگیزش	رفتار
پیدا کردن هم‌سر مناسب	سفر
دیدن مجدد گل‌کام‌کار	نبرد با زنگی بر کوه
پیدا کردن شتران ساربان	نبرد با عرابی
برگرداندن مال بازرگان	نبرد با دزدان
وفاداری به معشوق	نبرد با زن جادو
رسیدن به وصال	نبرد با قیصر روم و دیگر نبردها در این مسیر

کارکرد

با بررسی کنش‌ها و کارکردهای موجود در داستان همای‌نامه، موارد ذیل مشاهده شد:

کم‌بود: قهرمان قصه (همای) مجرد است.

غیبت: همای برای یافتن هم‌سر مناسب از سرزمین خود، مصر، به مناطق مختلف سفر می‌کند تا به شام می‌رسد.

رفع کم‌بود: همای، هم‌سر مطلوب خود را می‌یابد.

ایجاد منع (دوری از معشوق): عاشق در راه دیدن معشوق، توسط گوزنی از مسیر دور می‌شود و راه را گم می‌کند.

مبارزه (جنگ قهرمان با شریرا): همای در راه، با زنگی و ده یارش نبرد می‌کند.

پیروزی (شکست شریرا): قهرمان، زنگی و ده یارش را می‌کشد.

اولین کار اعطاکننده (ابلاغ خواهشی به قهرمان): همای در راه بازگشت به دژ، شاه شام را در لباس ساربان شتر گم کرده‌ای می‌بیند که از او طلب کمک می‌کند.

واکنش قهرمان: همای از ساربان می‌خواهد که با او به دژ بیاید تا از دزدان اطلاعاتی بیش‌تر بدست آورد.

نقض منع (دیدار معشوق): همای موفق به دیدار گل می‌شود.

خبرگیری: اعطاکننده کسب خبر می‌کند. شاه شام به عنوان فردی که می‌خواهد دخترش را به همای بدهد (اعطاکننده) به خبرگیری از همای می‌پردازد. برای این امر از روزن اتاقی، گوش به حرف‌های او با گل‌کام‌کار می‌دهد و اعمالش را زیر نظر می‌گیرد.

نیرنگ اعطاکننده: شاه شام پس از آگاهی از دل‌آوری‌های همای، برای رسیدن به اهداف خود وی را می‌فریبد تا دشمن دیرینه‌اش را به عنوان دزدان شتر نابود کند.

پس محلّ دشمنش را به عنوان محلّ اختفای دزدان به همای نشان می‌دهد.

فریب خوردن قهرمان: همای، فریب سخنان شاه شام را می خورد و با راه‌نمایی وی به نبرد عربی‌ها می‌رود.

مبارزه (جنگ قهرمان با شریر b): همای با شش عربی نبرد می‌کند. پیروزی (شکست شریر b): قهرمان تمام عربی‌ها را شکست می‌دهد. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر c): دختر عربی به جنگ همای می‌آید. آسیب رساندن شریر c به قهرمان (شکل تخفیف یافته علامت گذاری): همای در جنگ با دختر عربی به شدت آسیب می‌بیند. پیروزی (شکست شریر c): همای به کمک گل کام کار (یاری گر A)، دختر عربی را می‌کشد.

عزیمت: همای و گل کام کار راهی دژ می‌شوند. جان‌شینی (یاری گر A به جای قهرمان ایفای نقش می‌کند): گل از همای می‌خواهد که استراحت کند. بنابراین به جای قهرمان درگیر حواصت می‌شود. مبارزه (جنگ شریر d با یاری گر A): در بازگشت، سواری به گل کام کار حمله می‌کند.

کم‌بود: گل و سوار به سبب تشنگی، جنگ را برای جست‌وجوی آب رها می‌کنند.

رفع کم‌بود: گل کام کار آهوانی را می‌بیند و به دنبال آن‌ها می‌رود. پس آبخوری می‌یابد و به سوی همای برمی‌گردد.

بازگشت: چون دژ گل، مکان استقرار و آرامش قهرمان است. دژ، به عنوان مبدأ بازگشت در نظر گرفته شده است. همای و گل به دژ بازمی‌گردند.

تعلیق: همای به سبب آسیب‌هایی که دیده است، مدتی را در دژ می‌ماند و در این مدت نیز، گل درگیر حواصت می‌شود.

- عزیمت: گل کام کار (یاری گر A) برای تمام کردن جنگ با سوار، دژ را ترک می‌کند.

- مبارزه (نبرد شریر e با یاری گر A): گل کام کار در بازگشت با دیوی نبرد می‌کند. پیروزی (شکست شریر e): گل، دیو را از پای درمی‌آورد.

پیروزی (شکست شریر d): گل، سوار را پیدا می‌کند و سوار، تسلیم گل می‌شود.

- بازگشت: گل کام کار به دژ برمی‌گردد تا اسبی برای بردن سوار بیاورد.

مبارزه (جنگ شریر d با شریر f): سوار عرب با اژدها مواجه می‌شود.

- عزیمت: گل با اسب به سوی سوار برمی‌گردد.

مبارزه (جنگ شریر f با یاری گر A): گل با سنان خود به بدن بی‌حرکت اژدها می‌زند و اژدها به گل حمله می‌کند.

- پیروزی (شکست شریر f): گل، اژدها را نابود می‌کند.

عزیمت: همای از دژ به جانب گل می‌رود.

بازگشت: هر دو به دژ بازمی‌گردند.

اعلام بدبختی یا کم‌بود، ابلاغ خواهشی به قهرمان: در راه بازگشت به دژ، بازرگانی که دزدان اموالش را بردند، از همای طلب کمک می‌کند.

مبارزه (جنگ قهرمان با شریر g): همای و گل کام‌کار به دژ دزدان حمله می‌برند.

پیروزی (شکست شریر g): همای و گل، دزدان را از میان می‌برند.

بازگشت: همای و گل به دژ برمی‌گردند.

خبردهی: قهرمان، وقایع را برای شاه شام باز می‌گوید.

هدایت قهرمان به مکانی که هدف مورد نظر در آن‌جا قرار دارد (انتقال از سرزمینی به سرزمینی دیگر): شاه شام شرط ازدواج همای با دخترش را جنگ با قیصر روم می‌گذارد و این‌گونه همای را به روم هدایت می‌کند.

مبارزه (جنگ قهرمان با شریر h): همای در مسیر خود به روم، در بیشه‌ای با شیران می‌جنگد.

پیروزی (شکست شریر h): همای شیران بیشه را می‌کشد.

عزیمت: همای و لشکریانش به حرکت خود به سوی روم ادامه می‌دهند.

نیرنگ (شریر i می‌کوشد تا قهرمان را فریب بدهد): بر کوهی بلند، زن جادو با عرضه کردن خود و اموالش، قصد فریب همای را دارد.

تهدید قهرمان توسط شریر j: زن جادو، همای را برای رسیدن به هدفش تهدید می‌کند.

تصمیم‌گیری قهرمان: همای در مقابل فریب و تهدید زن جادو، جنگ را برمی‌گزیند.

مبارزه (جنگ قهرمان با شریر i): همای با زن جادو به نبردی سخت می‌پردازد.

پیروزی (شکست شریر i با کمک یاری گر B): پس از نبردی سخت و دشوار، قیس، فرمان‌ده سپاه، به کمک همای می‌آید و به یاری هم، زن جادو را شکست می‌دهند.

خبردهی قهرمان به فرستنده: همای از جنگ خود با زن جادو برای شاه شام می‌نویسد و غنیمت‌ها را همراه گل، برای وی می‌فرستد.

عزیمت: حرکت قهرمان به سوی روم.

خبردهی (به قهرمان، اطلاعاتی درباره شریز داده می‌شود): زمانی که همای به کنار دریا می‌رسد، دیده‌بان، وی را از وجود ددی در آن جا باخبر می‌کند. مبارزه (نبرد شریز با قهرمان): دد به سپاه همای حمله می‌کند. پیروزی (شکست شریز): همای، دد را می‌کشد. عزیمت: حرکت لشکر به سوی قیصر روم. شریز k: بطریق، نگهبان دژ، از لشکر همای باج می‌خواهد تا اجازه عبور بدهد. - نیرنگ (یاری‌گر B شریز k را می‌فریبد): قیس با سخنان صلح‌آمیز به بطریق نزدیک می‌شود تا در فرصت مناسب او را به بند آورد. - فریب خوردن شریز k: قیس بطریق را می‌فریبد و او را مجروح و اسیر می‌کند. اعلام بدبختی یا خواهش به قهرمان: بطریق از همای می‌خواهد که دژ و گنج‌های درون آن را بگیرد و به جای آن، او و خانواده و یارانش را رها کند. تصمیم‌گیری قهرمان: همای، درخواست بطریق را پذیرد. رفع شریز k: همای بر گنجینه‌های دژ دست می‌یابد و بطریق را از دژ می‌راند. عزیمت: همای دژ را به چند امین می‌سپارد و با لشکر به راه خود ادامه می‌دهد. خبردهی (به ضد قهرمان (شریز L) اطلاعاتی درباره قهرمان داده می‌شود): بطریق پس از شکست از همای برای خبردهی به قیصر به عموره می‌رود. نیرنگ: قیصر برای فریب همای به استقبال لشکر وی می‌رود و پیکی را نزد همای می‌فرستد تا بخوبی با او سخن بگوید و پیش‌نهاد ازدواج با دختر قیصر را به او دهد. فریب نخوردن قهرمان: همای خشمگین می‌شود و جنگ با قیصر را برمی‌گزیند. آسیب رساندن شریز L (جنگ لشکر شریز L با لشکر قهرمان): لشکر قیصر به فرماندهی سکند و سنگول به جنگ لشکر همای به فرماندهی ژهیر، نشواد و قیس می‌رود. آسیب رساندن قهرمان (شکست لشکر شریز L): همای، لشکر قیصر را با شبیخونی شکست می‌دهد. خبردهی (درباره قهرمان به شریز L خبر داده می‌شود): قیصر از پیروزی همای باخبر می‌شود. واکنش شریز L: قیصر، خود را برای جنگ با همای آماده می‌کند. مبارزه (نبرد قهرمان با شریز L): همای و قیصر به مقابله هم می‌آیند. گریز قهرمان: پس از دو روز جنگ پیاپی، همای و قیس به سوی غاری می‌گریزند.

بازگشت: همای و قیس به سوی دژ بازمی‌گردند.

شیریر m: همای و قیس به دهی می‌رسند و با اسمرای جهود ملاقات می‌کنند.

نیرنگ (شیریر m، قهرمان و یاری‌گوش را می‌فریبند): اسمرا، همای و قیس را به خانه می‌برد و از آنان پذیرایی می‌کند. سپس کاری را به آن‌ها پیش‌نهاد می‌دهد که آنان را ثروت‌مند می‌کند.

فریب خوردن قهرمان: همای و قیس پیش‌نهاد اسمرای جهود را می‌پذیرند و در چاهی محبوس می‌شوند.

نجات: همای و قیس با، کاردی که در چاه بود، نقبی به بیرون می‌زنند تا به دریا می‌رسند و به کمک یک کشتی نجات می‌یابند.

شیریر n: ببری به کشتی حمله می‌کند.

مبارزه (جنگ شیریر n با قهرمان): همای به جنگ ببر می‌رود.

پیروزی (شکست شیریر n): قهرمان به کمک قیس، ببر را از پای درمی‌آورد.

عزیمت: همای و قیس پس از کشتن ببر نزد دهمرای، شاه هندوستان، می‌رسند.

کمبود (نیاز به کسب ثروت و لشکر): همای از شرایط خود برای دهمرای تعریف می‌کند و پادشاه هندوستان متوجه نیاز همای به مال و لشکر می‌برد.

پیش‌نهاد اعطاکنده B: شاه هند از همای در مقابل مال و سپاه، نابودی دشمن دیرینه‌اش، مهراوه، را می‌خواهد.

تصمیم‌گیری قهرمان: همای پیش‌نهاد دهمرای را می‌پذیرد.

مبارزه (جنگ قهرمان با شیریر O): همای با دهمرای به جنگ مهراوه می‌رود.

پیروزی (شکست شیریر O): مهراوه و پسرانش به دست همای و قیس کشته می‌شوند.

خبردهی به فرستنده: همای، نامه‌ای با پیک به شاه شام و گل در شرح وقایع می‌فرستد.

عزیمت: همای با لشکر و ثروت بدست آورده از دهمرای به سوی شام حرکت می‌کند.

مبارزه (جنگ شیریر L با فرستنده): قیصر در نبود همای به جنگ شاه شام می‌رود.

پیروزی (شکست فرستنده): در انتهای این نبرد، شاه مصر به مصر بازگشت و شاه شام و گل به بیشه‌ای گریختند.

تنگنا: قیصر، بیشه را محاصره می‌کند تا شاه شام و دخترش از گرسنگی و تشنگی هلاک شوند.

اعلام بدبختی یا کمبود: گل، پیک‌هایی را می‌فرستد تا همای را از وضعیت خود باخبر کند.

تصمیم‌گیری قهرمان: همای، تصمیم به آزادی گل و پدرش و جنگ با قیصر می‌گیرد.

رفع کمبود (آزادی گل و پدرش): همای، گل و شاه شام را از محاصره درمی‌آورد. تعلیق: همای و سپاهش برای یک ماه استراحت می‌کنند. آسیب رساندن قهرمان به شریر L (جنگ قهرمان با لشکر شریر L): همای به لشکر قیصر حمله می‌کند و بسیاری از لشکر دشمن را نابود می‌کند. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر L): همای و قیصر با یکدیگر می‌جنگند. پیروزی (شکست شریر L): همای پس از سه روز نبرد پیاپی، لشکر روم را شکست می‌دهد و قیصر به قلعه‌ای پناه می‌برد.

مجازات شریر L: قیصر به دلیل اختلافات داخلی به همای سپرده می‌شود و همای برای مجازات، وی را نزد شاه شام می‌برد و او:

یکی تیغ هندی زدش بر میان به دو نیمه کردش هم اندر زمان
(همان: ۱۷۱)

مجازات شریر m: پس از پایان کار قیصر، همای فرصت می‌یابد که اسمرای جهود را مجازات کند و به این ترتیب با او همان می‌کند که با او و قیس کرده بود. ابتدا چاه را از طلا خالی می‌کند و سپس اسمرا را در آن زنده به گور می‌کند. سلطنت و عروسی قهرمان: همای با گل کام‌کار ازدواج می‌کند و پادشاه شام، تخت سلطنت را به همای می‌سپارد.

جدول (۳): کارکردهای داستان

کارکردها در همای‌نامه	کارکردها در همای‌نامه	کارکردها در همای‌نامه
۱. کم‌بود	۲۹. انتقال از سرزمینی به سرزمینی دیگر	۵۷. گریز قهرمان
۲. غیبت	۳۰. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر h)	۵۸. بازگشت
۳. رفع کم‌بود	۳۱. پیروزی (شکست شریر h)	۵۹. شریر m
۴. ایجاد منع	۳۲. عزیمت	۶۰. نیرنگ (شریر m قهرمان و یاری‌گوش را می‌فریبد)
۵. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر a)	۳۳. نیرنگ (شریر i می‌کوشد قهرمان را فریب بدهد)	۶۱. فریب خوردن قهرمان
۶. پیروزی (شکست شریر a)	۳۴. تهدید قهرمان توسط شریر i	۶۲. نجات
۷. اولسین کنار اعطاکننده A (ابلاغ خواهشی به قهرمان)	۳۵. تصمیم‌گیری قهرمان	۶۳. شریر n
۸. واکنش قهرمان	۳۶. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر i)	۶۴. مبارزه (جنگ شریر n با قهرمان)
۹. نقض منع (دیدار معشوق)	۳۷. پیروزی (شکست شریر i با کمک یاری‌گر B)	۶۵. پیروزی (شکست شریر n)
۱۰. خبرگیری (کسب خبر اعطاکننده A از قهرمان)	۳۸. خبردهی قهرمان به فرستنده	۶۶. عزیمت
۱۱. نیرنگ (کوشش اعطا کننده A برای فریفتن قهرمان)	۳۹. عزیمت	۶۷. کم‌بود (نیاز به کسب ثروت و لشکر)
۱۲. فریب خوردن قهرمان	۴۰. خبردهی (به قهرمان اطلاعاتی درباره شریر j داده می‌شود)	۶۸. پیش‌نهاد اعطا کننده B
۱۳. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر b)	۴۱. مبارزه (نبرد شریر j با قهرمان)	۶۹. تصمیم‌گیری قهرمان
۱۴. پیروزی (شکست شریر b)	۴۲. پیروزی (شکست شریر j)	۷۰. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر o)
۱۵. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر c)	۴۳. عزیمت	۷۱. پیروزی (شکست شریر o)
۱۶. آسیب رساندن شریر c به قهرمان (علامت گذاری)	۴۴. شریر k - نیرنگ (یاری‌گر B شریر k را می‌فریبد) - فریب خوردن شریر k	۷۲. خبردهی به فرستنده
۱۷. پیروزی (شکست شریر c)	۴۵. اعلام بدبختی یا خواهش به قهرمان	۷۳. عزیمت - مبارزه (جنگ شریر L با اعطاکننده A) - پیروزی (شکست اعطاکننده) - تنگنا
۱۸. عزیمت	۴۶. تصمیم‌گیری قهرمان	۷۴. اعلام بدبختی یا کم‌بود
۱۹. جانیشینی - مبارزه (جنگ شریر d با یاری‌گر A) - کم‌بود - رفع کم‌بود.	۴۷. رفع شریر k	۷۵. تصمیم‌گیری قهرمان
۲۰. بازگشت	۴۸. عزیمت	۷۶. رفع کم‌بود (آزادی گل و پدرش)
۲۱. تعلیق - عزیمت - مبارزه (نبرد شریر e با یاری‌گر A) - پیروزی (شکست شریر e)	۴۹. خبردهی (به ضد قهرمان (شریر L) اطلاعاتی درباره قهرمان داده می‌شود)	۷۷. تعلیق

		- پیروزی (شکست شریر d) - بازگشت - مبارزه (جنگ شریر d با شریر f) - عزیمت - مبارزه (جنگ شریر f با یاری گر A) - پیروزی (شکست شریر f)
۷۸. آسیب رساندن قهرمان (جنگ قهرمان با لشکر شریر L)	۵۰. نیرنگ	۲۲. عزیمت
۷۹. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر L)	۵۱. فریب نخوردن قهرمان	۲۳. بازگشت
۸۰. پیروزی (شکست شریر L)	۵۲. آسیب رساندن شریر L (جنگ لشکر قهرمان با لشکر شریر L)	۲۴. اعلام بدبختی یا کم‌بود، ابلاغ خواهشی به قهرمان
۸۱. مجازات شریر L	۵۳. آسیب رساندن قهرمان (شکست لشکر شریر L)	۲۵. مبارزه (جنگ قهرمان با شریر g)
۸۲. مجازات شریر m	۵۴. خبردهی (به شریر L از قهرمان اطلاعاتی داده می‌شود)	۲۶. پیروزی (شکست شریر g)
۸۳. سلطنت و عروسی قهرمان	۵۵. واکنش شریر L	۲۷. بازگشت
	۵۶. مبارزه (نبرد قهرمان با شریر L)	۲۸. خبردهی

حرکت

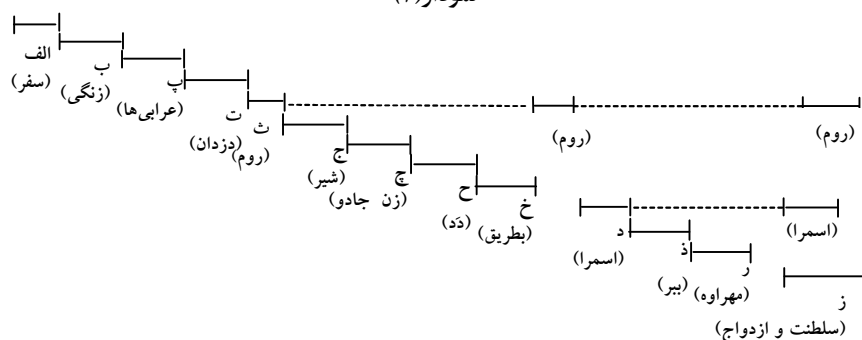
به طور خلاصه، مقصود از حرکت در داستان، هرگونه جست‌وجو و تحوّل است که قهرمان اصلی در طی داستان دارد. پس هر شرارت یا کم‌بود و نیاز، موجب ایجاد حرکتی تازه در داستان می‌شود. آن‌چه در تحلیل یک داستان اهمّیتی خاصّ دارد، تشخیص تعداد حرکت‌های آن و نحوه ترکیب آن‌ها با یکدیگر است.

حرکت در این داستان با انگیزه رسیدن به هم‌سر مطلوب آغاز می‌شود، با کوشش همای در راه رسیدن به وصال (نبردهای قهرمان) ادامه می‌یابد و با نشستن قهرمان بر تخت و ازدواج به پایان می‌رسد. نوع حرکت‌ها در این داستان تلفیقی از نوع اوّل تا سوم حرکت در نظریه پراپ است (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۸۳)؛ این‌گونه که هر حرکت به دنبال حرکت بعد می‌آید، مانند رفتن همای به جنگ زنگی و سپس دزدان، اما گاه، حرکتی جدید پیش از پایان حرکت اوّل آغاز می‌شود؛ مانند رفتن همای به جنگ با قیصر که پیش از این نبرد، جنگ با شیر، زن جادو و ... اتفاق می‌افتد. گاه نیز، نتیجه یک حرکت پس از چند واقعه مشاهده می‌شود؛ مانند قصه اسمرا در میانه داستان و مجازات وی در انتهای آن. بدین ترتیب بیش‌تر حرکت‌ها در این داستان از نوع مستقیم و در مواردی اندک، بعضی روی‌دادها در هم تنیده است.

داستان‌ها، زنجیره‌ای از رخ‌دادهاست و با توجه به گستره رخ‌دادها ممکن است بسیار کوتاه یا بسیار بلند باشد. آن‌طور که در مورد برخی رمان‌ها و حماسه‌ها مصداق

دارد. داستان از نظر ساختاری ممکن است خطی باشد و هر رخ داد به دنبال رخ داد دیگر شکل بگیرد (برگر، ۱۳۸۰: ۱۸). پس چگونگی حرکت‌ها را در این داستان می‌تواند بصورت نمودارهای زیر نشان داد:

الف ← ب ← پ ← ت ← ث ← ج ← چ ← ح ← خ ← ث ← د ← ذ ← ر ← ث ← د ← ز
نمودار (۲)



نمودار (۳)

از نظر مکانی، حرکت همای از مصر آغاز می‌شود و تمام وقایع جریان‌ساز در شام و نقاط ناشناخته و سپس روم روی می‌دهد و در پایان، قهرمان به شام بازمی‌گردد. در این منظومه اگرچه زمان، طبق روال داستان‌های سنتی نامعلوم و کلی است، اما اشاره به مدت زمان وقوع بسیاری از روی‌دادها از ویژگی‌های منحصر به فرد این منظومه است:

پدر گل هر ده روز یک بار به دیدن دخترش در دژ می‌رود.
همای پس از رسیدن به شام برای پنج - شش سال تا زمان آشنایی با گل می‌ماند.

لشکر همای پس از چهل روز به بیشه شیران می‌رسند و یک شب در آن جا هستند.

همای، بیست روز در کاخ زن جادو می‌ماند.

سه روز تا رسیدن به دریا کنار طول می‌کشد.

لشکر دو هفته در دریا کنار می‌ماند.

همای، دو شب را در دژ بطریق سپری کرد.

قهرمان برای یک سال در خدمت دهمرای است.

محاصره قیصر پس دو سال شکسته می‌شود و پیروزی نهایی روی می‌دهد.

تکرار

تکرار یک کارکرد، از مشخصه‌های بارز متون پهلوانی و بویژه در داستان همای است. بعضی از کارکردها؛ مانند مبارزه و پیروزی به دفعات تکرار می‌شود. گاه نتیجه بعضی جنگ‌ها؛ مانند نبرد همای با قیصر روم پس از سه روز پیاپی معلوم می‌شود و یا زن جادو پس از ظهور سه گانه (در لباس رزم، به شکل اژدها، پهلوان گونه) به دست همای کشته می‌شود.

جدول (۴): میزان تکرار کارکردها

کارکرد	تعداد تکرار	کارکرد	تعداد تکرار	کارکرد	تعداد تکرار	کارکرد	تعداد تکرار	کارکرد	تعداد تکرار
مبارزه	۱۵	فریب خوردن	۳	تعلیق	۲	گریز	۱	اولین کار اعطاکننده	۱
پیروزی	۱۴	کم‌بود	۳	ایجاد منع	۱	انتقال	۱	پیش نهاد اعطاکننده	۱
عزیمت	۱۰	رفع کم‌بود	۳	جان‌شینی	۱	تهدید	۱	فریب نخوردن	۱
خبردهی	۶	شریر	۳	نقض منع	۱	غیبت	۱	سلطنت و عروسی	۱
نیرنگ	۵	آسیب رساندن شریر	۲	خبرگیری	۱	نجات	۱		
بازگشت	۵	آسیب رساندن قهرمان	۲	رفع شریر	۱	واکنش شریر	۱		
تصمیم‌گیری	۴	مجازات	۲	تنگنا	۱	واکنش قهرمان	۱		

نتیجه‌گیری

کم‌بود اولیّه قهرمان به منزله انگیزه رخ‌دادهاست و موانع ایجاد شده در جهت رفع کامل این کم‌بود شکل می‌گیرد. عمل‌کردهای بعدی از شروع جنگ‌ها تا پیروزی، پیش‌برنده داستان و عوامل ایجاد کشش و تحرک در منظومه است. تکرار عمل‌کردها صرفاً گره‌گشایی را با خطرات و مبارزه‌ها و امدادهای تازه که با مداخله یاری‌گرها و اعطاکننده مشخص می‌شود، به تعویق می‌اندازد. پیروزی قهرمان و ازدواج، آخرین عمل‌کردهای تکمیلی داستان است که نقش نتیجه‌گیری را ایفا می‌کند.

در وصف و تحلیل این منظومه، ۸۳ کارکرد با تکرار و ۳۴ کارکرد بدون تکرار مشخص شد. مبارزه و پیروزی بسامدی‌ترین کارکردهای این داستان است که تأکیدی بر پهلوانی بودن اثر است. کارکردهای متنوع منظومه، داستان را واقعی‌تر و پرجاذبه‌تر کرده است. از نظر شخصیت‌پردازی از هفت شخص مشخص نام برده شد. تمام اشخاص یاد شده برای نویسنده تشخص داشته و در جریان حوادث با وجود مدت کم حضور، با صفاتشان نمایانده شده‌اند. چند وجهی بودن شخصیت‌های داستان، ابعاد مختلف یک چهره را به یاد می‌آورد و قصه را ملموس‌تر کرده است.

زمان در این داستان از عناصر مهم در وصف دقیق وقایع است. مکان وقوع روایت از مصر و شام آغاز می‌شود، در شام ادامه می‌یابد تا به روم می‌رسد و سپس به شام بازمی‌گردد.

سیر داستان به هم مربوط و منطقی است و هر حرکت به دنبال حرکت دیگر شکل می‌گیرد و نویسنده برای بردن مخاطب تا انتهای داستان، گاه ادامه و نتیجه یک روی داد را در زمانی پس از وقوع روی دادهای بعدی نشان می‌دهد.

همای‌نامه به دلیل طرح روایات پهلوانی و مایه‌های پهلوانی، اساطیری و افسانه‌ای در ضمن مضمونی عاشقانه و تلفیق این موضوعات، از انواع ادبی رمانس دانسته شده است (آیدنلو، ۱۳۸۶: ۴۳۵). براساس ویژگی‌های رمانس ایرانی می‌توان به ویژگی‌های مشترک ذیل در تعریف ارائه شده برای این ژانر با همای‌نامه رسید: قهرمان یک شاهزاده است.

همای‌نامه با توجه به ۸۳ کارکرد نشان داده شده، روایت داستان بلندی است. انگیزه اصلی، سفر عاشق در جست‌وجوی معشوق است. هدف اخلاقی داستان، ارائه الگویی برای تعلیم شاهزادگان و آمادگی آنان برای شاهی است.

قهرمان درگیر گرفتاری‌های بسیار می‌شود تا شجاعت جسمانی و اخلاقی او سنجیده شود.

در طی این سفر قهرمان از درون به بلوغ اجتماعی و اخلاقی می‌رسد که در این داستان این مفهوم شاید به صورت آماده شدن همای برای ازدواج و رسیدن به سلطنت نمود می‌یابد.

داستان با ازدواج عاشق و معشوق پایان می‌پذیرد و قهرمان تاج‌گذاری می‌کند و همراه هم‌سرش به خوشی زندگی می‌کند. مخاطب همای‌نامه، عموم مردم هستند.

اما تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود:

این نوع قصه‌ها معمولاً در یک دوره کوتاه چهار یا پنج ساله در محدوده جغرافیایی وسیع صورت می‌گیرد که در همای‌نامه چنان‌که نشان داده شده حوادث حداقل در یک دوره ده ساله و در محدوده جغرافیای مصر تا روم رخ می‌دهد. قسمت مهم سفرهای قهرمان، سفر به دنیای پریان است، اما سفر مهم همای به روم در جنگ با قیصر می‌گذرد.

آنچه به این متن غنایی، رنگ پهلوانی می‌دهد این است که در این داستان می‌توان برای همای مانند رستم و اسفندیار، هفت‌خان قائل شد و در آن نشانه‌های اسطوره‌ای تکرار شونده؛ مانند دریا و کوه را بازجست، نیز بازدهٔ زمانی وسیع و کثرت کارکرد جنگ و پیروزی و وجود اشخاص شریر مانند دیو و زن جادو این مسأله را پررنگ‌تر می‌کند، با این تفاوت که قهرمان این داستان، فردی اخلاق‌گرا با توانایی‌های قابل پذیرش است تا پهلوان متون پهلوانی. وی با عوامل جادویی درگیر نیست و مانند دیگر اشخاص در رسیدن به اهداف، تمام کوشش خود را می‌کند و گاه در مسیر خود به کمک دیگران نیازمند است و جانشین دارد.

در پایان، این پرسش مطرح است که با توجه به گفتهٔ ساختارگرایان که می‌توان برای حکایات، ساختاری واحد کشف کرد، آیا می‌توان همین انواع و تعداد اشخاص، کارکردها و حرکات را در دیگر انواع منظومه‌های عاشقانه-پهلوانی (رمانس) مشاهده کرد و به ساختاری واحد در این نوع ادبی رسید؟ پاسخ به این پرسش نیاز به بررسی دیگر آثار از این نوع دارد که مقاله‌ای دیگر می‌طلبد.

فهرست منابع

- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۶). نارسیده ترنج (بیست مقاله و نقد درباره شاهنامه و ادب حماسی ایران)، اصفهان: نقش مانا.
- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۸). «گمانی درباره محل نظم همای‌نامه»، گزارش میراث، دوره دوم. سال چهارم، شماره ۳۷، بهمن و اسفند، صص ۱۲-۱۳.
- استاجی، ابراهیم و رمشکی، سعید. پاییز (۱۳۹۲). «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ». متن‌شناسی ادب فارسی (علمی-پژوهشی) دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه اصفهان. سال چهل و نهم. دوره جدید. سال پنجم. شماره ۳. (پیاپی ۱۹). صص ۳۷-۵۲.
- برتنز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۲). نظریه ادبی، مترجم فرزانه سجودی، تهران: آهنگ دیگر.
- برگر، آرتور آسا. (۱۳۸۰). روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران: سروش.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- جلالی پور، بهرام. (۱۳۷۹). «ریخت‌شناسی قصه جنگ مازندران براساس روش پراپ»، مجله هنر، شماره ۴۵، صص ۳۲-۵۳.
- حق‌شناس، علی محمد و خدیش، پگاه. (۱۳۸۷). «یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی»، مجله دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه تهران، صص ۲۷-۳۹.
- خدیش، پگاه. (۱۳۸۷). ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی، تهران: علمی و فرهنگی.
- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمد. (۱۳۹۰). «بررسی قصه‌های دیوان در شاهنامه فردوسی». متن‌شناسی ادب فارسی (مجله دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)، دوره ۴۷، شماره ۹، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- ریکور، پل. (۱۳۸۴). زمان و حکایت: کتاب دوم پیکربندی زمان در حکایت داستانی، ترجمه مهشید نونهالی، تهران: گام نو.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). انواع ادبی، تهران: باغ آینه.
- قربانی، خاور و گورک، کیوان. (۱۳۹۰). «بررسی و نقد توالی خویش‌کاری‌های قهرمان در نظریه ریخت‌شناسی پراپ (با تکیه بر ریخت‌شناسی سه قصه از شاهنامه)»، فصل‌نامه متن‌پژوهی ادبی، شماره ۵۰، صص ۱۵۹-۱۷۹.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۶۹). نقد تکوینی، ترجمه محمدتقی غیاثی، تهران: بزرگ‌مهر.

- متینی، جلال. (۱۳۵۴). «همای نامه»، مجله دانش کده ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه فردوسی: جستارهای ادبی. شماره ۴۳، پاییز، صص ۳۱۵-۳۵۱.
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). *واژه‌نامه هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن*، تهران: کتاب مهناز.
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۳). *همای‌نامه: منظومه ناشناخته حماسی*، تصحیح محمد روشن، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.